

**خشنودی شوهر، جهاد زن**

پیامبر اسلام (ص) با اصحاب خود به گرد هم نشسته بودند ناگاه بانویی بنام اسما دختر یزید انصاری به حضور آنحضرت آمد...



پیامبر اسلام (ص) با اصحاب خود به گرد هم نشسته بودند ناگاه بانویی بنام اسما دختر یزید انصاری به حضور آنحضرت آمد و گفت: پدر مادرم بفدایت ای رسول خدا! من به نمایندگی از زنان به حضور شما برای طرح یک سؤال آمده ام، سؤال این است که: خداوند تو را به عنوان پیامبر، به سوی انسانها از مرد و زن فرستاده است، ما به تو و خدای تو ایمان آوردیم، ولی دستورات شما ما زنان را در خانه ها محبوس کرده و دستمان را از امور اجتماعی و سیاسی کوتاه نموده و در خانه ها خزیده ایم و وسیله اطفاء شهوت مردان، و حمل فرزندان آنها شده ایم، ولی شما مردان به خاطر تجمع، جماعات، عیادت بیمار، تشییع جنازه و حج بعد از حج بر ما برتری یافته اید، و از همه اینها بالاتر، جهاد در راه خدا است، که ما از شرکت در آن محروم هستیم، و اگر شما مردان، از خانه خود برای شرکت در حج، و جهاد بیرون رفتید، ما در غیاب شما اموال شما را ننگه می داریم، لباس برای شما می بافیم، و کودکان شما را پرورش می دهیم افما نشارککم فی هذا الا جر و الخیر: آیا ما در پاداش کارهای نیک (اجتماعی و سیاسی) شما شرکت نداریم؟! پیامبر (ص) با تمام رخ به اصحاب رو کرد و فرمود: آیا شما تا کنون سؤالی از بانویی شنیده اید که بهتر از سؤال مذهبی این بانو (اسماء) باشد؟! سپس آن حضرت به اسماء رو کرد و فرمود: ای بانو بشنو و به زنانی که به نمایندگی آنها به اینجا آمده ای ابلاغ کن که: ان حسن تبعل المرأة لزوجها، و طلبها مرضاته، و اتبا عهاله، یعدل ذلك كله: پاداش شوهرداری نیک زن، و کوشش او برای تحصیل خشنودی شوهر، و پیروی او از شوهرش، برابر همه این پاداشهای (جماعات و حج و جهاد و...) مردان است. اسماء به سوی زنان باز گشت، در حالی که ذکر خدا می گفت، به جمع بانوان رسید و سخن پیامبر (ص) را به آنها ابلاغ نمود، همه شادمان شدند و از آن پس، اسماء را به عنوان نماینده خود به سوی رسول خدا (ص) نامیدند.

منبع: داستانهای ما، ج 5  
نویسنده: علی دوانی